

یک فریضه بشردوستانه

صله رحم به عنوان یکی از دستورات مهم دینی به مسلمانان توصیه شده است، اما این دستور تا چه حد در زندگی مسلمانان عملی می‌شود؟



صله رحم به عنوان یکی از دستورات مهم دینی به مسلمانان توصیه شده است، اما این دستور تا چه حد در زندگی مسلمانان عملی می‌شود؟ آیا افرادی که در جامعه کنونی ما سبک زندگی دینی را انتخاب کرده‌اند، به ضروریات صله رحم نیز پایبند هستند؟ به نظر می‌رسد امروزه باسند، به اب، دسته، بسا، دشمارت از صد، اسلام است. هرچند امروزه لوازم اطلاع یافتن از یکدیگر - به وسیله تلفن، اینترنت و شبکه های اجتماعی، موبایل و... - بسیار ساده تر شده است، ولی مساله اینجاست که بعد مسافتی افراد عضو یک خانواده و فامیل نیز به واسطه پیشرفت وسایل سیر و سیاحت و نیز دیگر اقتضائات زندگی مدرن، بیشتر شده است. در جامعه قبیله ای، معمولا اعضای یک خانواده همه عمر را نزدیک به یکدیگر زندگی می کردند. افرادی که متعلق به یک قبیله و عشیره بوده اند به واسطه اقتضائات اقتصادی زندگی قبیله ای، معمولا در جوار یکدیگر بوده اند. فاصله مسافتی برای سفرهای تجاری اتفاق می افتاد، ولی در همین موارد نیز افراد قبیله بودند که از خانواده عضوی از قبیله خود که بدون همراهی خانواده به سفر تجاری رفته بود، احوالپرسی و از خانواده او حمایت می کردند. اما امروزه چنین ساختاری تا حد زیادی تغییر یافته است. اولاً افراد به واسطه شغلی که اختیار می کنند، محل زندگی شان را انتخاب می کنند. همچنین برخلاف جامعه قبیله ای، گاه فاصله اقتصادی بین اعضای یک خانواده بسیار زیاد است. مثلاً ممکن است یک برادر به واسطه نبوغ فردی و تحصیلات خود، به سرمایه هنگفتی دست یابد، ولی برادر دیگر عمری را با زندگی کارگری سپری کند. همین تفاوت ها فاصله افراد را تشدید می کند، محل زندگی آنها را از یکدیگر جدا می کند و سلايق متفاوت می شود و توانایی آنها در تامین زندگی با یکدیگر تفاوت عمده پیدا می کند. همین تفاوت ها باعث می شود این دو برادر کمتر به رفت و آمد خانوادگی با یکدیگر تمایل داشته باشند، زیرا مشاهده تفاوت تجملات زندگی می تواند مشکلاتی را در خانواده طرفین به وجود آورد.

بنابراین در حالی که دسته بندی در جامعه قبیله ای به واسطه قبایل و عشیره ها و خانواده ها صورت می گیرد، دسته بندی در جامعه مدرن شهری به واسطه ثروت های فردی، مشاغل و تحصیلات ایجاد می شود. با این اوصاف صحبت از لزوم صله رحم در جامعه مدرن شهری، هرچند مسلمان، چه معنایی دارد؟ آیا اصلاً چنین سنتی در چنین جامعه ای ضرورت خود را از دست نداده است؟

مساله ای که در اینجا بیان شد، استدلال بسیاری از ما در کاهش ارتباطان با اقوام نزدیک است. اغلب اوقات وقتی یکی از اقوام و حتی یکی از اعضای نزدیک خانواده مان از ما گله می کند که «چرا حالی از ما نمی پرسی؟» چنین پاسخ می دهیم که زندگی امروز و گرفتاری هایش وقتی برای احوالپرسی باقی نمی گذارد، اما واقعیت این است که در همین زندگی امروزه با بسیاری از افراد در تماس هستیم و حال و احوال بسیاری را جویا می شویم. در واقع پاسخ صحیح به آن گله این است که در وضع زندگی امروزه فرصت و رقبیتی برای احوالپرسی از اقوام را ندارم، زیرا افراد دیگری در زندگی من، اهمیت بیشتری نسبت به اقوام دارند. حتی در بین برخی افراد متدین هم این بی توجهی به فریضه صله رحم مشهود است و وقتی از آنها سوال می شود چرا به این مساله اهمیت نمی دهید، جواب می دهند چون فلان فامیل متدین نیست. این در حالی است که براساس موازین دینی، صله رحم محدود به اقوام متدین نیست.

در اینجا توجه به یک نکته ضروری است: پرواضح است تاکید بر صله رحم در دین اسلام هیچ گونه ربطی به تعصبات قومی و نژادی ندارد. زیرا در تاکید بر صله رحم اشاره به هیچ قوم یا قبیله خاصی نشده است. از سوی دیگر روح حاکم بر فریضه صله رحم، حاکی از این است که این فریضه تکریم جایگاه انسانی افراد است، چون باورها و اعتقادات دینی فردی که اطلاع یافتن و احوالپرسی از وی واجب است، هیچ ربطی به این فریضه ندارد، اما مساله این است که آیا در زمان کنونی التزام به چنین فریضه ای سودمند است؟

برای پاسخ به این مساله باز باید به روح حاکم بر این ارزش اسلامی دقت کنیم. «رحم» در لغت به معنای محلی از جسم مادر است که جنین در آن رشد می کند و صله رحم، به تبع یادآور بازگشت به یک اشتراک است؛ اشتراک مادر که بهترین نمونه مهر و عاطفه بشری است. روح حاکم بر صله رحم، مهر و عطوفت مادرانه و بدون چشمداشت است. در چنین هنجار اسلامی، اصلاً بحثی از تساوی طبقاتی و منافع مادی نیست. بلکه آنچه اهمیت دارد، یک نیای مشترک است و اگر بدرستی به این هنجار اسلامی بنگریم خواهیم دید که از آنجا که همه انسان ها از پدر و مادر واحدی هستند، بنابراین صله رحم در واقع دستور به عطوفت و مهربانی به انسان ها، صرفاً به سبب انسان بودن آنهاست و نه به خاطر جایگاه و نقش های اقتصادی، اجتماعی و تحصیلی آنها.

بر این اساس، ضرورت التزام به صله رحم به معنای اسلامی آن بیشتر محسوس است. در جامعه شهری جدید، مسافت های افراد بسیار زیاد شده است و روابط انسان ها بیشتر مبتنی بر جایگاه و نقش اجتماعی آنهاست. در چنین وضعی افراد با یکدیگر نه به دلیل هموعی و انسانیت مشترک، بلکه به خاطر اشتراک در میزان دارایی ها، اعتبار حساب بانکی، اشتراک مدرک

تحصیلی و همکاری در ارتباط هستند و موتور محرک این روابط، منافی است که افراد از ارتباط داشتن با یکدیگر می بینند. صله رحم، دستور به ایجاد ارتباط بدون چشمداشت است، دستور به تقید به روابطی که تنها انگیزه آن عواطف انسانی و کرامت بشری است. در صله رحم، اطلاع یافتن از مادر بزرگ پیر و اقوام از کار افتاده و کمک کردن به آنها در حد توان، یک ارزش انسانی و بشردوستانه است و این فریضه ای است که بدون چشمداشت دنیوی صورت می گیرد و متفاوت است با مهمانی ای که یک کارمند برای رئیس خود می دهد تا جایگاهش در محل کارش تقویت شود. بنابراین صله رحم برای جامعه کنونی شهری نیز یک ضرورت است و می تواند موجب تعالی و رشد چنین جامعه ای شود.

ساعد عالمی / جام جم